

متولد: ۱۳۳۳ روستای حاجی آباد از توابع تبادکان تاریخ و محل شهادت: ۲۳ آذر سال ۵۷ بیمارستان امام رضا (ع)، مشهد

شهید محمد منفرد در شش سالگی پدر خود را که کشاورز بود، از دست داد. محمد پس از در گذشت پدر تا دوم دبیرستان به تحصیل پرداخت و به علت نبودن مقطع بالاتر برای ادامه تحصیل، به ناچار مشغول

کار شد. وی از کودکی با شور و اشتیاق در مراسم مذهبی و سیاسی شرکت و اخلاق حسنه او همگان را متحیر می کرد. او همواره فروتن و متواضع بود و با اربابان روستاها اختلاف نظر داشت. چندین نوبت دستگیر شد و شب‌ها را در پاسبگاه زندان مرئی گذراند و هدف ضرب و جرح مزدوران رژیم منحوس پهلوی قرار گرفت. با اوج گیری انقلاب، فعالیت‌های «منفرد» بیشتر شد. او در روز جمعه سیاه تهران هم در صحنه مبارزه حضور داشت و این تجربه در بار گذشت به مشهد، عزم او را در مبارزه راسخ تر کرد. برای مدتی مجبور به ترک مشهد شد و از دست مزدوران رژیم طاغوت در رشت مخفی بود که پس از دو ماه به مشهد باز گشت. شهید محمدمنفرد در فعالیت‌های انقلابی مشهد حضوری فعال داشت. وی ۲۳ آذر ۵۷ همچون روزهای دیگر خود را به بیمارستان امام رضا (ع) رساند تا به اتفاق عموم مردم به بیمارآن و کادر درمانی کمک کند که در این روز هدف اصابت گلوله مزدوران رژیم پهلوی قرار گرفت و مجروح شد اما تلاش پزشکان برای مداوای او موثر واقع نشد و دوروز بعد به شهادت رسید. پیگیری در مراسمی با حضور پزشکوه مردم از بیمارستان امام رضا (ع) تشییع شد و پس از طواف در حرم مطهر امام رضا (ع)، در بهشت رضا (ع) آرام گرفت.

معرفی کتاب «از دانشگاه تهران تا شکنجه گاه ساواک»

روایت‌هایی از یک زندان مخوف

تحقیق و تنظیم کتاب: موزه عبرت ایران

راوی کتاب: جلال رفیع
ناشر کتاب: موزه عبرت ایران
این کتاب، خاطرات و در حقیقت گفت‌وگوا مه جلال رفیع روزنامه نگار پیش کسوت و از زندانیان سیاسی قبل از انقلاب است که در ۱۲ فصل و ۲۴۶ صفحه در بازار کتاب وجود دارد. کتاب «از دانشگاه تهران تا شکنجه گاه ساواک»

حاصل گفت‌وگویی طولانی با جلال رفیع است که بیشتر حول محور زندان کمیته مشترک و خاطرات تلخ و شیرین آن می‌گذرد. کتاب فوق توسط متولی فعلی زندان (موزه عبرت ایران) تدوین و منتشر شده و در ضارفع (برادر جلال رفیع) آن را ویرایش کرده است. اولین نکته‌ای که بعد از تروق کتاب به ذهن مخاطب می‌آید این است که حتی خاطرات تلخ شکنجه گاه ساواک از زبان طناز رفیع نیز شنیدنی شده است، به‌خصوص این که قالب کتاب هم «گفت‌وگو است و مصاحبه‌شونده قیدهای نوشتن را کمتر داشته و با فراغ‌بال و محدودیت کمتر، به گفتن روایت کردن پرداخته است. جلال رفیع متولد سال ۱۳۳۳ است که در سال‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی یکی از اعضای شاخص دانشجویان جریان مذهبی محسوب می‌شد و بارها به زندان مخوف «کمیته مشترک ضد خرابکاری» افتاد. رفیع قبل از دستگیری و در زمان دانشجویی، کتاب‌هایی چون برصیر، صبر انسان و قرآن، اصول حاکم بر روابط اقتصادی اسلام و... را به رشته تحریر درآور و برخی از این آثار با نام مستعار و به صورت زیراکسی منتشر و پخش شد.

چله انقلاب

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان رضوی

Tue, Feb 6, 2018, No.3782

سه شنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۶، شماره ۳۷۸۲

نگاهی به قیام تاثیر گذار مردم تربت حیدریه در پیروزی انقلاب اسلامی

قیامی که پیشگام انقلاب شد



● **اولین شهید انقلاب اسلامی**
روز ۱۱ آذر ۱۳۵۷ راهپیمایی‌ها علیه حکومت پهلوی از محله‌های تربت حیدریه آغاز و در چهارراه یکی از خودروهای سنگین شهرداری را به همراه سه دستگاه تانکر بزرگ آب پایین کشیدند و وسط خیابان آوردند. اتاق کامیون را بالا بردند، طوری که پشت آن به طرف میدان قرار گرفت و با دنده عقب به طرف میدان حرکت می کردند. جمعیت زیادی پشت کامیون سنگر گرفته بودند. صدای مهیبی بلند بود؛ صدای تیراندازی و اصابت گلوله‌ها به اتاق کمپرسی و تانکرها گوش خراش بود. جمعیت به میدان نزدیک می شد. یکی از برادران داد زد: «برادر ارتشی چرا ما را می کشی» و شعار جمعیت اوج‌تا‌ه‌ای پیدا کرد... نویسنده کتاب «حماسه نهم دی ۵۷: پیشگامی تربت حیدریه در پیروزی انقلاب اسلامی»، ضمن مرور وقایع انقلاب، قیام ۹دی ماه مردم تربت حیدریه را چنین تشریح کرده است: روز شنبه نهم دی ماه به تدریج نیروهای انقلابی از اطراف واکتاف شهر و روستاهای نزدیک جمع شدند و جمعیت نسبت‌بازدای در میدان مرکزی شهر حاضر شده بودند... نیروهای پلیس مغرورانه جمعیت را زیر نظر داشتند... بعد از ساعت ۱۹افزایش جمعیت قابل توجه بود؛ لحظه به لحظه افراد می رسیدند و جمعیت برای حرکت آماده بود... نخستین درگیری بین مردم و نیروهای پلیس با حرکت جمعیت به سوی میدان مجسمه آغاز شد. درگیری مقابل بانک سپه و بانک ملی از جانب پلیس انجام شد و طاغوتیان بدون اخطار به سمت مردم تیراندازی کردند. نیروهای پلیس که صدای انفجار و رگبار را شنیدند، عقب‌نشینی را آغاز کردند. مردم با شور و خشم انقلابی غیر قابل وصفی پیش می رفتند. در این درگیری چند نفر زخمی شدند. مردم با فریاد «می کشم می کشم آن که برادرم کشت» پیشروی می کردند. مقابل

● **۹دی ماه و قیام مردم تربت حیدریه**
نویسنده کتاب «حماسه نهم دی ۵۷: پیشگامی تربت حیدریه در پیروزی انقلاب اسلامی»، ضمن مرور وقایع انقلاب، قیام ۹دی ماه مردم تربت حیدریه را چنین تشریح کرده است: روز شنبه نهم دی ماه به تدریج نیروهای انقلابی از اطراف واکتاف شهر و روستاهای نزدیک جمع شدند و جمعیت نسبت‌بازدای در میدان مرکزی شهر حاضر شده بودند... نیروهای پلیس مغرورانه جمعیت را زیر نظر داشتند... بعد از ساعت ۱۹افزایش جمعیت قابل توجه بود؛ لحظه به لحظه افراد می رسیدند و جمعیت برای حرکت آماده بود... نخستین درگیری بین مردم و نیروهای پلیس با حرکت جمعیت به سوی میدان مجسمه آغاز شد. درگیری مقابل بانک سپه و بانک ملی از جانب پلیس انجام شد و طاغوتیان بدون اخطار به سمت مردم تیراندازی کردند. نیروهای پلیس که صدای انفجار و رگبار را شنیدند، عقب‌نشینی را آغاز کردند. مردم با شور و خشم انقلابی غیر قابل وصفی پیش می رفتند. در این درگیری چند نفر زخمی شدند. مردم با فریاد «می کشم می کشم آن که برادرم کشت» پیشروی می کردند. مقابل

● سخنرانی‌های آتشین شهید هاشمی‌نژاد

۱۶ آبان اعتصاب غذای فرهنگیان تربت حیدریه در دبیرستان پروین این شهرستان و سخنرانی حجت الاسلام سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد در ۲۲ مهر ماه جمع بیش از پنج هزار نفر از مردم تربت حیدریه، شامل اصناف، فرهنگیان، دانش آموزان و تعدادی از روحانیان، در مسجد جامع شهر و استماع سخنرانی و شرکت در راهپیمایی انجام می‌شود.

● علمای تربت همگام با انقلاب

علماء و روحانیون در کنار مردم و دیگر طبقات اجتماع ضمن اتحاد، به مبارزه علیه پهلوی ادامه دادند. در تربت حیدریه همه علمای شهر، مخصوصا بزرگانی همچون سید محمد باقر طباطبایی و حاج شیخ عبدا... امامی، نقش کلیدی در رشد و سرعت انقلاب در شهرستان داشتند. از جمله حجت الاسلام محمد باقر فرزان، جلسات پر باری برای روشنگری جوانان تربت حیدریه داشتند و حجت الاسلام سید حسین ربانی نیز با سخنرانی‌های کوبنده‌اش، نقش موثری در اجتماعات بزرگ داشت. حجت الاسلام قاضی زاده و کاظم واعظی از دیگر افرادی بودند که در این زمینه موثر واقع شدند.

● **با پین آور دن تابلوهای انقلاب سفید**
دوم مهر ماه تظاهرات مردم تربت حیدریه با پاین



از مهم‌ترین دلایل انقلاب شکوهمند مردم، بی‌اعتنایی طاغوتی‌ها به مسائل دینی، چپاول و غارتگری سرمایه‌های مملکت توسط بیگانگان و وضعیت اجتماعی و اقتصادی نامناسب مردم بود. فاسد بودن درباریان و فاصله اقتصادی زیاد اطرافیان شاه با مردم عادی که از پس معیشت خود بر نمی‌آمدند، نارضایتی جدی از رژیم طاغوت را در پی داشت. شاه سالی یک بار برای زیارت به مشهد می‌آمد تا با ظاهر سازی، روی بی دینی‌های خود سرپوش بگذارد اما مردم می‌دانستند تمام این کارها ظاهر سازی است. مردم با رژیم ستمشاهی وارد جنگ شدند بلکه فقط در صحنه حضور پیدا کردند و همین حضور هم، شاه و طاغوتیان را به وحشت انداخت و سبب شد از ایران فرار کنند.

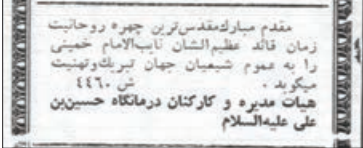
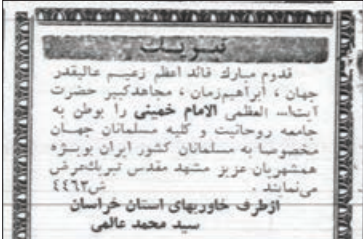
به هر حال نارضایتی مردم، هم در اثر لطمه‌ای که طاغوتیان به اسلام زدند و دشمنی که با اسلام داشتند و هم غارت بیت المال و بریز و بیاش‌هایی که داشتند و هم سلطه‌ای که بیگانگان بر کشور داشتند، به وجود آمد. عوامل دیگری هم بودند اما این سه، مهم‌ترین عواملی بود که مردم را عصبانی کرد و سبب قیام و انقلاب مردمی علیه طاغوت شد. مردم ایران قیامی کردند که در تاریخ بی نظیر بود. انقلاب ایران، اسرائیل و آمریکا را نیز به وحشت انداخت چه برسد به شاه و طاغوتیان.

از همین مردم مردم باید در پاسداشت این انقلاب، استقامت داشته باشند و در برابر فشارها و تبلیغات بیگانگان بایستند و قدر انقلاب را بدانند و مواظب باشند تبلیغات دشمنان آن‌ها را فریپ ندهد تا خداوند نیز باری‌مان کند ایران اسلامی روز به روز پیشرفت کند و در جایگاه متعالی قرار گیرد.

در این جا بد نیست به خاطراتی از همراهی با شهید مطهری، یکی از اسوه‌ها و تاثیر گذاران انقلاب اشاره کنم. زمانی که رضاشاه حوزه‌های علمیه را بسته بود، اجازه پوشیدن لباس روحانیت را به کسی نمی‌داد و چادر از سر زنان بر می‌داشت، بسیاری فکرمی کردند که کار اسلام تمام است. در آن زمان فقط در قم حوزه علمیه دایر بود. عموی شهید مطهری در برهه‌ای از زمان، امام جماعت و پدر بزرگ ایشان هم عالم ابدال آباد تربت جام بود. در زمانی که ما بچه بودیم، شهید مطهری یک روز برای سخنرانی به مسجد ابدال آباد آمدند. روحانی مسجد در مسئنی بود و شهید مطهری به دلیل احترام به این روحانی سالخورده به بالای منبر نرفت و در پایین‌ترین پله منبر نشست و سخنرانی کرد. ما بچه بودیم اما در عین حال، طرز صحبت کردن آیت ... مطهری ما را به خود جذب کرد و از همان زمان به بعد شقیقه و یار او شدیم. سال‌ها بعد زمانی که دیگر با هم آشنا دوست شده بودیم، در یک برنامه رادیویی علیه اسلام دروغ‌هایی را نسبت دادند. من آن روز بسیار ناراحت شدم و نامه‌ای برای آیت ... مطهری نوشتم که در رادیو چنین توهین‌هایی به اسلام کردند و معلوم نیست که این‌ها، جبهه‌های دفاع از اسلام را چطور دیده‌اند که جرئت این‌طور گستاخی را دارند. هر زمان شهید مطهری به فرمان می‌آمدند به ما پیغام می‌دادند که برای دیدن آیت ... مطهری بیایید. بعد از گذشت چند وقت از این نامه پیغام دادند که آیت ... مطهری در فرمان هستند و می‌خواهند شما را ببینند. در آن جا به بنده گفتند که نامه شما را دریافت کردم و در حضور جمعی از علمای می‌نامه، نامه شما را خواندم و گفتم چنین وضعی در مملکت است و قرار شد که بعد از آن، برنامه‌های رادیو و تلویزیون را کنترل کنند تا هر جا لازم شد اقداماتی را برای جلوگیری از این دروغ‌ها و توهین‌ها انجام دهند. یک سال قبل از به شهادت رسیدن آیت ... مطهری، شبی در تهران در جلسه تفسیر قرآن شرکت کردیم، بعد از جلسه تفسیر شهید مطهری ما را به خانه‌اش دعوت کرد، در آن جا اعلام کردند دو روز آینده در منزل فردی جلسه‌ای است که جمعی از علما حضور خواهند داشت. از قضا بنده آن شخص را می‌شناختم و با شهید مطهری به آن جلسه رفتم. این آخرین دیدار ما با شهید مطهری بود که زحمات بسیاری برای اسلام و انقلاب کشیدند.

● **حماسه نهم دی ۵۷: پیشگامی تربت حیدریه در پیروزی انقلاب اسلامی، محمد علی‌رضایی. تهران: سروش‌هدایت، ۱۳۸۶**

تقویم تاریخ خراسان از مشروطیت تا انقلاب اسلامی. غلامرضا جلالی و همکاران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.



اطلاعیه‌ها و نامه‌های تأثیرگذار

همان‌طور که در قسمت‌های قبل نیز اشاره کردیم، یکی از اقدامات مردم مشهد، پس از ورود امام خمینی (ره) به ایران، انتشار آگهی‌های تبریک در روزنامه خراسان بود. شاید بد نباشد بدانید، ماجرای درج آگهی تبریک در مناسبت‌هایی مانند ملی شدن صنعت نفت نیز رایج بود و مردم مشهد، از همان زمان عادت داشتند در مناسبت‌های مختلف از روزنامه خراسان به عنوان تریبون عمومی انعکاس نظر اتشان استفاده کنند. روز ۱۳ بهمن ۱۳۵۷ و متعاقب ورود حضرت امام (ره)، اتحادیه کامیون داران مشهد، هیئت مدیره و کارکنان در مانگاه حسین بن علی (ع) و خاوری‌های استان خراسان نیز با صدور اطلاعیه‌هایی، ورود پیروزمندان امام خمینی (ره) را تبریک گفتند و آن را در روزنامه خراسان چاپ کردند. از دیگر اقدامات روزنامه خراسان در این ایام، چاپ نامه‌های مردم درباره وقایع دی و بهمن ۱۳۵۷ بود؛ نامه‌هایی بعضاً بسیار طولانی که با اشتیاق فراوان در شهر خوانده می‌شد و بسیار تأثیر گذار بود.



انقلاب در مشهد از دریچه دوربین

● **عکس‌ها:**
فرهنگسرای انقلاب اسلامی مشهد

